

سیمای سوره انفطار

این سوره نوزده آیه دارد و در مکه نازل شده است. نام آن برگرفته از آیه اول و به معنای شکافته شدن آسمان است. همچون دیگر سوره‌های مکی، محور این سوره، قیامت و حالات مردمان در آن هنگامه هولناک است. حوادث عظیمی که در پایان دوران جهان و در آستانه قیامت رخ می‌دهد، فرشتگانی که مأمور ثبت اعمال انسان‌ها در دنیا هستند، عاقبت نیکان و بدان و گوشه‌ای از مشکلات آن روز، بخش‌های مختلف این سوره را تشکیل می‌دهد.

برای تلاوت این سوره در نمازهای واجب و مستحب، فضیلت‌هایی وارده شده که بیانگر نیاز دائمی انسان به تذکر و توجه است تا از قیامت غفلت نکند و به دنیا دل نبندد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿ ۱ ﴾ إِذَا السَّمَاءُ أَنْفَطَرَتْ ﴿ ۲ ﴾ وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ ﴿ ۳ ﴾ وَإِذَا
الْبِحَارُ فُجِّرَتْ ﴿ ۴ ﴾ وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ ﴿ ۵ ﴾ عَلِمْتَ نَفْسٌ مَّا
قَدَّمْتَ وَأَخَّرْتَ

آنگاه که آسمان شکافته شود. و آنگاه که ستارگان پراکنده شوند. و آنگاه که دریاها گشوده و به هم راه یابند. و آنگاه که قبرها زیرورو گردد. (در آن زمان) هر کس می‌داند، آنچه از پیش فرستاده و آنچه برای بعد گذاشته است.

نکته‌ها:

- «انفطار» به معنای شکافته شدن است، «فطر» و «افطار» نیز به همین معناست، زیرا روزه با غذا خوردن می‌شکافد. «انفطار» و «انشقاق» به یک معناست، لکن در انفطار بعد از شکافتن به چیزی می‌رسیم، بر خلاف انشقاق، چنانکه عرب در حفر قنات می‌گوید: «فطرت» چون بعد از شکافتن زمین، به آب می‌رسد.
- «انتثار» به معنای پراکندگی است و به چیزی که بر سر عروس می‌ریزند، نثار گویند.
- «فجر» به معنای بروز شکاف و باز شدن راه است و «تفجیر»، بیانگر عظمت و شدت شکافته شدن کوههاست.
- در کلمه «بُعْثِرَ» هم معنای «بعث» (به پا خواستن) است و هم معنای «ثور» (دگرگون شدن)، لذا راغب در مفردات گفته است که بعید نیست فعل «بُعْثِرَ» مرکب از این دو فعل باشد، یعنی زیر و رو شدن خاک‌ها و برپاخاستن مردگان.

□ پیوند میان آسمان و زمین و دریا و خشکی به گونه‌ای است که هرگاه نظام یکی از آنها به هم بخورد، نظام همه چیز به هم می‌خورد.

پیام‌ها:

- ۱- نظام حاکم بر آسمان و زمین به دست خداست و هرگاه او بخواهد تغییر می‌کند. ﴿إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ﴾
- ۲- معاد جسمانی است و مردگان از قبر برمی‌خیزند. ﴿إِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ﴾
- ۳- به هم ریختن نظام هستی، مقدمه رستاخیز و رستاخیز، برای حساب و کتاب و جزای اعمال انسان‌هاست. ﴿عَلِمْتَ نَفْسَ مَا قَدَّمْتِ...﴾
- ۴- در قیامت ظرفیت انسان توسعه می‌یابد و همه کارهای گذشته را به یاد می‌آورد. ﴿عَلِمْتَ نَفْسَ مَا قَدَّمْتِ﴾
- ۵- انسان، هم باید به فکر گذشته خود باشد، تا اگر خلافی کرده توبه کند و هم به فکر پس از مرگ خود باشد تا یادگار خوبی از خود بجای گذارد. ﴿مَا قَدَّمْتِ وَ الْآخِرَتِ﴾
- ۶- در قیامت، انسان هم به آنچه عمل کرده آگاه می‌شود و هم به آثار خوب یا بد اعمال خود. ﴿مَا قَدَّمْتِ وَ الْآخِرَتِ﴾
- ۷- در قیامت، انسان به کارهایی که می‌توانسته بکند و به تأخیر انداخته و انجام نداده پی می‌برد. ﴿عَلِمْتَ... مَا الْآخِرَتِ﴾ و شاید مراد از «آخرت» کارهایی است که بازدهی آن پس از مرگ به ایشان می‌رسد. مانند تألیف کتاب یا بنای فساد.

﴿۶﴾ يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ ﴿۷﴾ الَّذِي خَلَقَكَ
فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ ﴿۸﴾ فِي أَيِّ صُورَةٍ مَّا شَاءَ رَكَّبَكَ ﴿۹﴾ كَلَّا بَلْ
تُكذِّبُونَ بِالَّذِينَ ﴿۱۰﴾ وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ ﴿۱۱﴾ كِرَامًا
كَاتِبِينَ ﴿۱۲﴾ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ

ای انسان! چه چیز تو را در برابر پروردگار بزرگوارت مغرور و فریب داده است؟ همان که تو را آفرید و (اندامت را) استوار ساخت و متعادل کرد. و به هر صورت که خواست، تو را ترکیب کرد. با این همه، (شما روز) جزا را دروغ می‌پندارید. در حالی که قطعاً بر شما نگهبانانی (از فرشتگان) گمارده شده‌اند. نویسندگانی بزرگوار، که به آنچه انجام می‌دهید آگاهند.

نکته‌ها:

- «غَرْ» از «غرور» به معنای غفلت، فریب و مغرور، «سَوَاك» به معنای استواری و استقامت و دوری از اعوجاج است و «عدلك» بیانگر تعادل و توازن میان اعضا و جوارح انسان است.
- به عمل خود تکیه کنید نه بر کرم خداوند، انبیا از کرم خدا آگاه بودند اما اهل عمل بودند.
- خداوند کریم است: ﴿رَبِّكَ الْكَرِيمُ﴾ فرشتگان مأمور او کریم‌اند: ﴿كِرَامًا كَاتِبِينَ﴾ رسولان او کریم‌اند: ﴿رَسُولٌ كَرِيمٌ﴾^(۱) کتاب او کریم است: ﴿أَنَّهُ لَقْرآنٌ كَرِيمٌ﴾^(۲) و پاداش او کریمانه است. ﴿أَجْرٌ كَرِيمٌ﴾^(۳)
- خداوند کریم است؛ هم گناهان را می‌بخشد، هم عیب‌ها را می‌پوشاند و هم پاداش را چند برابر می‌دهد.

پیام‌ها:

- ۱- انسان، موجودی غافل و فریب خورده است و خود را از عواقب کار و قهر خدا در آمان می‌پندارد. ﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ رَبُّكَ﴾
- ۲- چرا انسان با آن همه نیاز و ضعف، مغرور باشد؟ ﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ﴾
- ۳- بدترین نوع کبر و غرور، آن است که در برابر پروردگار کریم و هستی بخش باشد. ﴿غَرَّكَ رَبُّكَ الْكَرِيمُ الَّذِي خَلَقَكَ﴾
- ۴- غرور و غفلت انسان، سوء استفاده از لطف و کرم و پرده‌پوشی خداست. ﴿مَا غَرَّكَ رَبُّكَ الْكَرِيمُ﴾

۱. حاقه، ۴۰.

۲. واقعه، ۷۷.

۳. یس، ۱۱.

- ۵- لطف و کرم ابتدایی خدا تنها نسبت به مؤمنان نیست، بلکه نسبت به همه انسان‌هاست. ﴿یا ایها الانسان... بریک الکریم﴾
- ۶- غرور انسان، بیانگر غفلت او از نعمت‌های الهی و عظمت آفریدگار است. ﴿ما غرک بریک الکریم﴾
- ۷- درمان غرور، توجّه به الطاف کریمانه است. ﴿الکریم... خلقک فسواک فعدلک﴾
- ۸- آفرینش، نشانه قدرت، ﴿خلقک﴾ تسویه، نشانه حکمت، ﴿سواک﴾ و اعتدال، دلیل علم او به تمام نیازهاست. ﴿عدلک﴾
- ۹- آفرینش انسان و هماهنگی و تعادل میان اعضای او، جلوه‌ای از کرم خداوند است. ﴿الکریم الذی خلقک فسواک فعدلک﴾
- ۱۰- تنوع شکل و قیافه انسان‌ها، براساس خواستِ حکیمانه خداوند است. ﴿فی ای صوره ما شاء رگبک﴾
- ۱۱- برای شکستن غرور، باید نعمت‌های الهی را پی‌درپی گوشزد کرد. ﴿خلقک، سواک، عدلک، رگبک﴾
- ۱۲- آنکه در دنیا تو را آفرید، در آخرت نیز تو را خلق می‌کند، پس تکذیب چرا؟ ﴿کلا بل تکذبون بالدين﴾
- ۱۳- کسی که به دنیا مغرور شود، آخرت را انکار می‌کند. ﴿غرک - تکذبون﴾
- ۱۴- گرچه شما قیامت را منکر می‌شوید، ولی فرشتگان کار خود را انجام می‌دهند. ﴿تکذبون... انّ علیکم لحافظین﴾
- ۱۵- فرشتگان متعدّد، مسئول حفظ و حراست از انسان‌ها هستند. ﴿لحافظین﴾
- ۱۶- فرشتگان، مسئول ثبت و ضبط کارهای انسانند. ﴿کراماً کاتبین﴾
- ۱۷- فرشتگان مراقب، در ثبت اعمال برخورداردی کریمانه دارند. ﴿کراماً کاتبین﴾
- ۱۸- فرشتگان هم متعدّدند، هم تیزبین و هم ریزبین. ﴿یعلمون ما تفعلون﴾
- ۱۹- توجّه به ثبت اعمال توسط فرشتگان معصوم، سبب حیا و تقوای انسان می‌شود. ﴿یعلمون ما تفعلون﴾

﴿۱۳﴾ إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ﴿۱۴﴾ وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ
 ﴿۱۵﴾ يَصْلَوْنَهَا يَوْمَ الدِّينِ ﴿۱۶﴾ وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ
 ﴿۱۷﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ ﴿۱۸﴾ ثُمَّ مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ
 ﴿۱۹﴾ يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ

بی شک، نیکان در ناز و نعمت بهشتی‌اند. و بی شک، بدکاران در آتشی
 شعله‌ور. که در روز جزا به آن وارد شوند و بسوزند. و لحظه‌ای، از آن
 غایب و جدا نشوند. تو چه دانی که روز جزا چه روزی است؟ باز، چه دانی
 که روز جزا چه روزی است؟ روزی که هیچ کس برای هیچ کس اختیاری
 ندارد و در آن روز، فرمان تنها برای خداست.

نکته‌ها:

- «أبرار» جمع «بار» به معنای نیکوکار و «نعم» به معنای پر نعمت است.
- «فُجَّار» جمع «فاجر» به معنای شکافتن است، یعنی کسانی که پرده‌داری می‌کنند و هتاک هستند.
- «صلی» ورود در قهر و عذاب است. «یصلونها یوم الدین» همان گونه که «صلُّوا» ورود در رحمت و لطف است. «هو الَّذی یصلِّ علیکم»^(۱)
- در قیامت، همه امور به دست خداست و این به معنای نفی شفاعت نیست، چون شفاعت نیز از اموری است که خداوند فرمان داده است.^(۲)

پیام‌ها:

- ۱- در تربیت و تبلیغ، سرنوشت خوبان و بدان را مقایسه کنید. «إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ - إِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ»
- ۲- حتی پیامبر، به بسیاری از امور قیامت آگاه نیست. «وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ»

۲. تفسیر مجمع البیان.

۱. احزاب، ۴۳.

- ۳- مسائل قیامت را با عقل عادی نمی‌توان درک کرد، بلکه باید از طریق وحی بپذیریم. ﴿ما ادراك ما يوم الدين﴾
- ۴- مطالب مهم را باید تکرار کرد. ﴿ما ادراك - ثم ما ادراك﴾
- ۵- پیدایش قیامت برای جزا و کیفر عملکرد دنیوی ماست. ﴿يوم الدين﴾
- ۶- مجرمان برای همیشه در دوزخند. ﴿ما هم عنها بغائبين﴾
- ۷- قیامت روز سلب مالکیت و اختیار از همه انسان‌هاست. ﴿يوم لا تملك نفس لنفس شيئاً﴾
- ۸- قیامت، تجلی حاکمیت مطلقه خداوند است. ﴿والامر يومئذ لله﴾

«والحمد لله رب العالمين»

سیمای سوره مطففین

این سوره سی و شش آیه دارد و در مکه نازل شده است، گرچه بر اساس برخی روایات، آیات اولیه آن مدنی است.

نام سوره، برگرفته از آیه اول است و به معنای کم فروشان می باشد. این سوره با هشدار به کم فروشان آغاز می شود و ریشه آن را باور نداشتن روز قیامت برمی شمرد.

سرگذشت فاجران گنهکار و متجاوز و برخورد آنان با آیات الهی، که بیانگر زنگار گرفتگی دلهای آنهاست، بخش دیگری از آیات این سوره را تشکیل می دهد.

البته بیان نعمت های جاودان و شادی و سرور بهشتیان، نور امید را در دل مؤمنان روشن می سازد و آنان را در برابر نیش و نوش های مجرمان دلداری می دهد تا در اثر تحقیر و استهزای آنان اندوهگین نشوند.

براساس روایات، قرائت این سوره در نماز، امنیت از عذاب را در روز قیامت به دنبال دارد و خداوند او را از نوشیدنی های طهور بهشتی سیراب می سازد.^(۱)

۱. تفسیر نورالثقلین.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿ ۱ ﴾ وَيَلُّ لَلْمُطَفِّفِينَ ﴿ ۲ ﴾ الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ
يَسْتَوْفُونَ ﴿ ۳ ﴾ وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ ﴿ ۴ ﴾ أَلَا يَظُنُّ
أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ ﴿ ۵ ﴾ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿ ۶ ﴾ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ
لِرَبِّ الْعَالَمِينَ

وای بر کم‌فروشان. کسانی که هرگاه از مردم پیمانه بگیرند کامل می‌گیرند. و هرگاه به ایشان پیمانه دهند یا برایشان (کالایی را) وزن کنند، کم می‌گذارند. آیا آنان گمان ندارند که برانگیخته خواهند شد؟ برای روزی بزرگ. روزی که مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان (برای پاسخ به کارهایشان) خواهند ایستاد.

نکته‌ها:

- «وَلُّ» به معنای هلاک و عذاب است و بر اساس روایات، نام دزّه‌ای در دوزخ یا دری از درهای آن می‌باشد.
- «طَفِيفٌ» و قلیل به یک معناست و «تَطْفِيفٌ» به معنای کاستن و کم گذاشتن است و ریشه آن از «طَفٌّ» به معنای کنار است. به فروشنده‌ای که از کنار اجناس می‌زند، «مُطَفِّفٌ» گویند. ابن مسعود نقل می‌کند که هر کس از نمازش بکاهد مضمول این آیه است.^(۱)
- کم فروشی هر صنفی متناسب با خودش می‌باشد: معلم، کارگر، نویسنده، فروشنده،

۱. تفسیر نمونه.

مهندس، دکتر و دیگر مشاغل، هر کدام در انجام وظیفه خود کوتاهی کنند، کم فروشند. □ کم فروش، خود را زرنگ می‌داند، مردم را دوست ندارد، خدا را رازق نمی‌داند و ظلم اقتصادی به جامعه می‌کند.

□ کم فروشی از گناهان کبیره است، زیرا وعده عذاب برای آن آمده است.
 □ امکان کم فروشی یا حساسیت در کیل بیش از وزن است، لذا در یک آیه فقط از کیل و در آیه پس از آن، ابتدا مجدداً از کیل و سپس وزن، سخن به میان آمده است.
 □ در روایات می‌خوانیم: هرگاه مردم گرفتار گناه کم‌فروشی شوند، زمین روئیدنی‌های خود را از مردم باز می‌دارد و مردم به قحطی تهدید می‌شوند.^(۱)

□ انضباط و دقت اقتصادی، در رأس برنامه‌های اصلاحی انبیاست. چنانکه حضرت شعیب به قوم خود فرمود: ﴿اوفوا الکیل و لا تکنوا من المخرین و زنوا بالقسطاس المستقیم و لا تبخسوا الناس اشیاءهم و لا تعثوا فی الارض مفسدین﴾^(۲) پیمان را (در معامله) کامل و تمام بدهید و از کم‌کنندگان و خسارت‌زندگان نباشید و با ترازوی درست وزن کنید و کالاهای مردم را کم ندهید و روی زمین مفسدانه عمل نکنید.

پیام‌ها:

- ۱- خطر را با کلمات هشدار دهنده اعلام کنید. ﴿ویل للمطففین﴾
- ۲- مال حرام از راه کم‌فروشی، عامل سقوط انسان است. ﴿ویل للمطففین﴾
- ۳- تفاوت‌گذاردن در گرفتن و دادن کم‌فروشی است. آنچه بر خود نمی‌پسندی بر دیگران می‌پسند. ﴿کتالو... یستوفون - کالوهم... یخسرون﴾
- ۴- کم‌فروشی نسبت به هر کس، گرچه مسلمان نباشد، نارواست. ﴿علی الناس﴾
- ۵- بالاتر از گناه، انس گرفتن با گناه است، به گونه‌ای که کم‌فروشی شغل انسان شود. ﴿یخسرون﴾ (فعل مضارع، نشانه استمرار است).
- ۶- برای جلوگیری از مفسد اقتصادی، باید یاد معاد را در دل‌ها زنده کنیم. ﴿الا

۱. تفسیر المیزان.

۲. شعراء، ۱۸۱ - ۱۸۳.

يظنّ اولئك انّهم مبعوثون ﴿

- ۷- اعتقاد به معاد حتی در حدّ گمان بازدارنده است. ﴿الا يظنّ اولئك انّهم مبعوثون﴾
 ۸- حوادث روز قیامت، بزرگ و هولناک است. ﴿ليومٍ عظیم﴾
 ۹- برای کم‌فروشی و حق‌الناس باید پاسخ‌گو باشیم. ﴿يقوم الناس لربّ العالمین﴾
 ۱۰- کیفر و مجازات مجرمان، از شئون ربوبیت خداست. ﴿يقوم الناس لربّ العالمین﴾

﴿۷﴾ كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَّارِ لَفِي سِجِّينٍ ﴿۸﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا سِجِّينُ

﴿۹﴾ كِتَابٌ مَّرْقُومٌ ﴿۱۰﴾ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿۱۱﴾ الَّذِينَ

يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ ﴿۱۲﴾ وَمَا يُكَذِّبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ ﴿۱۳﴾

إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ

چنین نیست (که آنان می‌پندارند)، همانا پرونده بدکاران در سِجِّین است. و تو چه می‌دانی که سِجِّین چیست؟ این، سرنوشتی است رقم خورده (و حتمی). وای بر تکذیب‌کنندگان در آن روز. کسانی که روز جزا را انکار می‌کنند. و جز تجاوزگر گناهکار، کسی آن را تکذیب نمی‌کند. هرگاه آیات ما بر او تلاوت شود، گوید: افسانه‌های پیشینیان است.

نکته‌ها:

- «سِجِّین» از «سِجْن» به معنای زندان و وزن فَعِيل برای مبالغه است: زندان ابد و سخت.
- «مرقوم» از «رقم»، به معنای خط درست و مشخص است، به گونه‌ای که با دیگر نوشته‌ها اشتباه نشود. بنابراین، «کتاب مرقوم» یعنی سرنوشت فاجران، کاملاً مشخص و معین است و آنان گرفتار زندان همیشگی در دوزخ‌اند.
- مراد از «دین» در آیات مربوط به قیامت، جزاست. ﴿يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ﴾ همان گونه که در سوره حمد، آیه ﴿مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾ به معنای مالک روز جزاست.
- «أثیم» از «إثم» به کسی گویند که در گناه فرو رفته باشد.

□ جمله «ویل یومئذ للمکذبین» را دو گونه می‌توان تفسیر کرد:
 الف: وای به کم فروشی که سرنوشتش به تکذیب قیامت می‌انجامد.
 ب: وای به کسانی که کیفر کم فروشان در قیامت را باور ندارند.

□ «اساطیر» جمع «اسطورة» به معنای افسانه است که مطالب زیبا و دل‌نشین دارد ولی واقعیت ندارد و بافته ذهن و خیال داستان سرایان است. «اساطیر الاولین» یعنی آنکه پیشینیان افسانه‌ها را ساخته‌اند و پیامبر آنها را بازگو می‌کند.

□ در تاریخ عاشورا می‌خوانیم که امام حسین علیه السلام چندین مرتبه لشگر یزید را موعظه کرد و از آنان اقرار گرفت که مگر من فرزند فاطمه دختر پیامبر شما نیستم، مگر حلالی را حرام یا حرامی را حلال کرده‌ام؟ مگر شما با هزاران نامه از من دعوت نکردید؟ و... در پایان فرمود:
 «قد مُلئت بطونکم من الحرام» شکم‌های شما از حرام پر شده و دیگر سخن حق در روح شما اثری ندارد.

امروزه هیچ یک از دانشکده‌های علوم تربیتی و روانشناسی دنیا، سخنی از تأثیر لقمه‌ی حلال و حرام در تربیت و روح انسان مطرح نمی‌کنند و دانشمندان شرق و غرب عالم از تأثیر تغذیه بر تربیت غافلند.

پیام‌ها:

- ۱- کم فروش، فاجر است و پرده دیانت را می‌درد. «للمطفّین... الفجار»
- ۲- سرنوشت فاجران، قطعی و مشخص است. «کتاب مرقوم»
- ۳- گناه، انسان را به کفر و انکار حقایق وامی‌دارد. «و ما یکذب به الاکل معتمد اثم»
- ۴- کسانی آیات قرآن را افسانه و اسطوره می‌خوانند که در گرداب گناه و طغیان فرو رفته‌اند. «کلّ معتمد اثم اذا تتلی علیه آیاتنا قال اساطیر الاولین»
- ۵- توجیه وحی به افسانه، راهی است برای کافر ماندن. «قال اساطیر الاولین»
- ۶- لقمه‌ی حرام، انسان را تا مرز کفر پیش می‌برد. (در آغاز سوره سخن از کم فروشی بود که عامل کسب لقمه حرام است، در آیات بعد سخن از فجور شد و در ادامه سخن از تکذیب است.) «ویل یومئذ للمکذبین»

- ۷- رفتار انسان، در عقائد و باورهای او اثر می‌گذارد. تجاوز و گناه پی‌درپی، انسان را به تکذیب وامی‌دارد. ﴿و ما یكذب به الاكل معتد اثم﴾
- ۸- به یک تذکر و انذار نباید قناعت کرد، تذکر و تلاوت باید دائمی باشد. ﴿تتلى عليه آياتنا﴾ (فعل مضارع، نشان استمرار است).
- ۹- قرآن، حتی نزد مخالفان پرجاذبه است. ﴿قال اساطير الاولين﴾ (اسطوره به داستان‌های زیبا و پرجاذبه گفته می‌شود).

﴿ ۱۴﴾ كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿ ۱۵﴾ كَلَّا إِنَّهُمْ
عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ ﴿ ۱۶﴾ ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ
﴿ ۱۷﴾ ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ

چنین نیست، بلکه آنچه کسب می‌کردند بر دل‌هایشان زنگار نهاده است. آنان در آن روز از (الطاف) پروردگارشان محجوب و محرومند. و آنگاه آنان به دوزخ وارد خواهند شد. سپس (به آنان) گفته خواهد شد: این همان چیزی است که آن را دروغ می‌پنداشتید.

نکته‌ها:

- «رین» به معنای زنگار است که بر اجناس قیمتی می‌نشیند. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: هرگاه گناه بر انسان غالب شود، امیدی به رستگاری او نخواهد بود و این است معنای ﴿کلا بل ران علی قلوبهم﴾^(۱)
- امام باقر علیه السلام فرمود: هیچ بنده‌ای نیست مگر آنکه قلبش سفید است. با انجام هر گناه، در آن سفیدی نقطه‌ی سیاهی پدید می‌آید و اگر توبه کند، آن سیاهی محو می‌شود و اگر اصرار بر گناه کند، سیاهی توسعه یافته و تمام سفیدی قلب را فرامی‌گیرد و دیگر انسان به خیر و سعادت بر نمی‌گردد.^(۲)

۱. تفسیر مجمع البیان. ۲. تفسیر نور الثقلین.

□ امام رضا علیه السلام فرمود: مراد از «انهم عن ربهم یومئذ لمحجوبون» آن است که از پاداش خداوند محرومند و گرنه خداوند مکان ندارد.^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- افسانه پنداشتن قرآن، ناشی از ناپاکی دل است. «کَلَّا بَل رَانَ عَلٰی قُلُوبِهِمْ»
- ۲- گناه، روح انسان را دگرگون و از درک حق باز می‌دارد. «بَل رَانَ عَلٰی قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»
- ۳- فطرت انسان سالم است، آنچه آن را می‌پوشاند، گناه است. «رَانَ عَلٰی قُلُوبِهِمْ»
- ۴- در فرهنگ قرآن، قلب و روح مرکز درک حقایق است. «رَانَ عَلٰی قُلُوبِهِمْ»
- ۵- اصرار و تداوم بر گناه، سبب زنگار قلب است. «مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»
- ۶- عمل، سرمایه انسان است که با آن، خوبی‌ها یا بدی‌ها را کسب می‌کند. «كَانُوا يَكْسِبُونَ»
- ۷- زنگار گناه که در دنیا مانع درک حقیقت است، در آخرت نیز مانع دریافت الطاف الهی می‌شود. «انهم عن ربهم یومئذ لمحجوبون»
- ۸- مأموران دوزخ، دوزخیان را سرزنش می‌کنند. «ثم ینال هذا الذی کنتم به تکذبون»

﴿ ۱۸ ﴾ كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عَلَيِّينَ ﴿ ۱۹ ﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا
 عَلَيُّونَ ﴿ ۲۰ ﴾ كِتَابٌ مَّرْقُومٌ ﴿ ۲۱ ﴾ يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ ﴿ ۲۲ ﴾ إِنَّ
 الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ﴿ ۲۳ ﴾ عَلَى الْأَرَآئِكِ يَنْظُرُونَ ﴿ ۲۴ ﴾ تَعْرِفُ فِي
 وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ ﴿ ۲۵ ﴾ يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَّحْتُومٍ
 ﴿ ۲۶ ﴾ خِتَامُهُ مِسْكٌَ وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ ﴿ ۲۷ ﴾ وَ
 مِرَاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ ﴿ ۲۸ ﴾ عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ

۱. توحید صدوق، ص ۱۶۲.

چنین نیست، همانا نامه عمل نیکوکاران در جایگاهی بلند است. و تو چه دانی که علّیین چیست؟ سرنوشتی است رقم خورده و (حتمی). که مقربان الهی گواه آنند. همانا نیکوکاران در ناز و نعمت بهشتی‌اند. برتخت‌ها (تکیه زده و) می‌نگرند. در چهره آنان خرمی و طراوت نعمت را می‌شناسی. از شرابی خالص و مُهر و موم شده به آنان نوشاندند. مُهر آن از مُشک است و هر کس که اهل مسابقه است، شایسته است که در (رسیدن به این نعمت‌ها) رقابت ورزد. و مخلوط آن، تسنیم است. چشمه‌ای که مقربان (الهی) از آن می‌نوشند.

نکته‌ها:

- «علّیین» جمع «علّی» به معنای درجات و مراتب بلند تا بی‌نهایت است.
- مراد از کتاب ابرار، سرنوشت نیکان در قیامت است و «مرقوم» یعنی مشخص و نشان‌دار به گونه‌ای که با سایر نوشته‌ها اشتباه نمی‌شود.
- «ارائک» جمع «اریکة» به معنای تختی است که زینت شده و برای آرمیدن مهیاست.
- «نَضرة» به معنای زیبایی و خرمی و «نعم» به معنای نعمت فراوان و «رَحیق» به معنای شراب خالص است.
- «تنافس» یا از «نفیس» است، یعنی دو نفر برای به دست آوردن یک شیء نفیس تلاش می‌کنند و یا از «نفس» است، یعنی دو نفر برای به دست آوردن چیزی، آخرین نفس خود را به کار برده و تلاش می‌کنند.^(۱)
- پذیرایی در بهشت، مراتب و درجاتی دارد:
- برای گروهی ﴿یسقون﴾ و برای گروهی دیگر ﴿سقاھم ربّهم﴾^(۲) یعنی بعضی با واسطه و بعضی بی‌واسطه الطاف را دریافت می‌کنند.
- بعضی گفته‌اند که مراد از مسک در ﴿ختامه مسک﴾، ظرف شراب مُهر شده است.

۱. تفسیر راهنما.

۲. انسان، ۲۱.

□ مقربان از تسنیم می‌نوشند، ولی ابرار از نوشیدنی که با تسنیم مخلوط شده، خواهند نوشید.
 □ نوشیدنی‌های بهشتی انواعی دارد: بعضی در زهرها جاری است: ﴿انهار من ماء، انهار من لبن، انهار من خمر، انهار من عسل﴾^(۱) بعضی در ظرف‌های مَهر شده است: ﴿ختامه مسك﴾ و بعضی از آسمان بهشت یا از طبقات بالای آن فرو می‌ریزد که همان تسنیم است.^(۲)
 □ امام باقر علیه السلام فرمود: تسنیم، بهترین نوشیدنی بهشت است و مخصوص پیامبر و اهل بیت اوست و از بالا می‌ریزد و در منزل‌های آنان جاری است.^(۳)

پیام‌ها:

- ۱- وعده‌های الهی در مورد پاداش خوبان قطعی است. ﴿ان الابرار لفي نعيم﴾ (کلمه ان و حرف لام و جمله اسمیه، بیانگر قطعی بودن وعده است.)
- ۲- دریافت نعمت در حضور دیگران، لذت را چند برابر می‌کند. ﴿يشهده المقربون﴾
- ۳- جایگاه بلند و اشراف بر منظره‌های زیبا، از نعمت‌های بهشتیان است. ﴿على الارائك ينظرون﴾
- ۴- حالات روحی و روانی انسان، بر جسم او تأثیرگذار است. ﴿تعرف في وجوههم﴾ (درخشندگی صورت بهشتیان برای انسان مشهود است.)
- ۵- بکر و دست نخورده بودن نعمت‌های بهشتی، یک ارزش است. ﴿مختم﴾
- ۶- لذت‌های بهشتی، عوارض ندارد. ﴿ختامه مسك﴾
- ۷- در فرهنگ اسلام، دنیا، میدان مسابقه و رقابت است، البته رقابت برای به دست آوردن نعمت‌های اخروی. ﴿و في ذلك فليتنافس المتنافسون﴾
- ۸- بهشتیان، درجات و مراتبی دارند. ﴿الابرار - المقربون﴾

۱. محمد، ۱۵.

۲. تفسیر نمونه.

۳. تفسیر برهان.

﴿۲۹﴾ إِنَّ الَّذِينَ أُجْرِمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ ﴿۳۰﴾
 وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامِرُونَ ﴿۳۱﴾ وَإِذَا أُنْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ أُنْقَلَبُوا
 فَكِهِينَ ﴿۳۲﴾ وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَٰؤُلَاءِ لَضَالُونَ ﴿۳۳﴾ وَمَا
 أُرْسِلُوا عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ ﴿۳۴﴾ فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ
 يَضْحَكُونَ ﴿۳۵﴾ عَلَىٰ الْأَرْأَيْكَ يَنْظُرُونَ ﴿۳۶﴾ هَلْ تُؤْتِبُ الْكُفَّارَ
 مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ

همانا مجرمان پیوسته به اهل ایمان می‌خندیدند. و هرگاه از کنارشان
 مرور می‌کردند، (از روی تمسخر) با چشم و ابرو به یکدیگر اشاره
 می‌کردند. و هرگاه به سوی اهل خودشان (و همفکران منحرفشان) باز
 می‌گشتند، (شادمان از تمسخر) طنزگونه و بذله‌گویان باز می‌گشتند. و
 هرگاه اهل ایمان را می‌دیدند، می‌گفتند: شکی نیست که آنان گمراهند. در
 حالی که آنان، رسالت نگهبانی بر مؤمنان را نداشتند. پس امروز، اهل
 ایمان بر این کفار می‌خندند. در حالی که بر تخت‌های بهشتی نظاره‌گرند.
 که آیا کافران کیفر عملکرد خود را دیده‌اند؟

نکته‌ها:

□ «غمز» به معنای عیب‌جویی از دیگران با اشاره چشم و ابرو است.

پیام‌ها:

- ۱- مؤمنان باید آماده برخورد‌های ناروای گنه‌کاران و مجرمان باشند. ﴿إِنَّ الَّذِينَ
 اُجْرِمُوا﴾
- ۲- خنده، غمزه، نیش و نوش‌های دیگران شما را دلسرد نکند، زیرا خود آنان
 مجرم هستند. ﴿إِنَّ الَّذِينَ اُجْرِمُوا﴾
- ۳- تمسخر و تحقیر، روش دیرینه مجرمان است. ﴿كَانُوا... يَضْحَكُونَ﴾

- ۴- مجرم به گناه خود قانع نیست، پاکان را تحقیر می‌کند و به آنان ضربه روحی می‌زند. ﴿یضحکون، یتغامزون﴾
- ۵- ساختن طنز و فکاهی برای تمسخر مؤمنان از شیوه‌های مجرمان است. ﴿انقلبوا فکهین﴾
- ۶- اصرار بر گناه، دید و قضاوت انسان را عوض می‌کند. (جالب است که مجرمان، مؤمنان را گمراه می‌پندارند). ﴿قالوا انّ هؤلاء لضالّون﴾
- ۷- گنه‌پیشگان، لایق قضاوت و اظهار نظر درباره مؤمنان نیستند. ﴿قالوا انّ هؤلاء لضالّون و ما ارسلوا علیهم حافظین﴾
- ۸- مؤمنان، نباید انتظار تأیید مخالفان را داشته باشند. ﴿و ما ارسلوا علیهم حافظین﴾
- ۹- گویا مجرمان، خود را قیّم مؤمنان می‌دادند که خداوند آن را نفی می‌کند. ﴿و ما ارسلوا علیهم حافظین﴾
- ۱۰- مؤمنان در قیامت، عامل رنج روحی مجرمان هستند، زیرا در آنجا مؤمنان نیز به آنان خواهند خندید. ﴿فالیوم الّذین آمنوا من الّکفّار یضحکون﴾
- ۱۱- کیفر در قیامت، با گناه در دنیا تناسب دارد. (کیفر خنده‌های تمسخرآمیز در دنیا، مورد خنده قرار گرفتن در آخرت است). ﴿الّذین اجرمواکانوا... یضحکون - الّذین آمنوا... یضحکون﴾
- ۱۲- کیفرهای قیامت، بازتاب اعمال خود انسان است. ﴿هل تُوب الّکفّار ما کانوا یفعلون﴾

«والحمد لله ربّ العالمین»

سیمای سوره انشقاق

این سوره بیست و پنج آیه دارد و در مکه نازل شده است. نام سوره برگرفته از آیه اول و به معنای شکافته شدن است. همانند دیگر سوره‌های مکی، محور مباحث این سوره، موضوع معاد و قیامت است.

از هم پاشیدن نظام موجود هستی و به هم خوردن نظم زمین و آسمان، خبر از برپاشدن قیامت و برقرار شدن نظامی دیگر در عالم می‌دهد. تلاش و کوشش انسان، در قیامت به بار می‌نشیند و کارنامه عمل پاکان و ناپاکان به دست آنان داده می‌شود تا بر اساس آن به پاداش یا کیفر برسند و این سنت پروردگار در طول تاریخ است و همه بر آن اساس محاسبه می‌شوند. در روایات آمده است، تلاوت همراه با تدبیر آیات این سوره، انسان را از اینکه نامه عملش به دست چپش داده شود، حفظ کرده و درامان می‌دارد.^(۱)

۱. تفسیر نورالثقلین.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿ ۱ ﴾ إِذَا السَّمَاءُ أَنْشَقَّتْ ﴿ ۲ ﴾ وَأَذْنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ﴿ ۳ ﴾ وَإِذَا
الْأَرْضُ مُدَّتْ ﴿ ۴ ﴾ وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ ﴿ ۵ ﴾ وَأَذْنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ

آنگاه که آسمان شکافته شود. و پروردگارش را فرمان برد که چنین
سزاوار است. و آنگاه که زمین هموار شود. و آنچه در آن است بیرون
اندازد و خالی گردد. و به فرمان پروردگارش گوش سپرد که چنین سزد.

نکته‌ها:

- «انشقاق» به معنای شکافته شدن است. حضرت علی علیه السلام فرمودند: «تنشق السماء من
المجرة»^(۱) یعنی آسمان از طریق کهکشان از هم گسیخته شود.
- «أذنت» از «أذن» به معنای حرف شنوی و «حُقَّتْ» یعنی شایسته و سزاوار و حُقش این بود.
- در قیامت آنچه در دل زمین است، از مردگان و گنج‌ها و... به بیرون پرتاب می‌شود.
چنانکه در سوره زلزال می‌فرماید: «إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا...»

پیام‌ها:

- ۱- در آستانه قیامت، آسمان‌های استوار و محکم «سبعاً شداداً»^(۲) شکافته
می‌شوند. «إِذَا السَّمَاءُ أَنْشَقَّتْ»
- ۲- هستی گوش به فرمان و تسلیم خداوند است. «أذنت لربها» (این جمله درباره
آسمان و زمین هر دو آمده است).

۲. نبأ، ۱۲.

۱. تفسیر درالمنثور.

- ۳- طبیعت نوعی شعور دارد که فرمان‌پذیر خداوند است. ﴿اذنت لربها﴾
 ۴- تسلیم خدا شدن، تنها تسلیم شدنی است که شایسته و سزاوار است. ﴿حُتَّتْ﴾
 ۵- در آستانه قیامت، زمین چنان دگرگون می‌شود که تمام ناهمواری‌های آن از میان رفته و سطحی گسترده و هموار می‌شود. ﴿اذا الارض مدّت﴾

﴿ ۶ ﴾ يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ ﴿ ۷ ﴾ فَأَمَّا
 مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ ﴿ ۸ ﴾ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا
 ﴿ ۹ ﴾ وَ يَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا ﴿ ۱۰ ﴾ وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ
 وَرَاءَ ظَهْرِهِ ﴿ ۱۱ ﴾ فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا ﴿ ۱۲ ﴾ وَيَصْلَىٰ سَعِيرًا
 ﴿ ۱۳ ﴾ إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا ﴿ ۱۴ ﴾ إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ
 ﴿ ۱۵ ﴾ بَلَىٰ إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا

هان ای انسان! تو به سوی پروردگارت تلاش بسیاری داری و سرانجام به لقای او خواهی رسید. پس هر کس کارنامه‌اش به دست راستش داده شود، به زودی و به آسانی به حساب او رسیدگی خواهد شد، و شادمان به سوی خانواده‌اش (یا همفکرانش) باز می‌گردد. و هر کس نامه‌اش از پشت سر (و به دست چپ) او داده شود، پس زود فریاد فغان بر خواهد آورد، و داخل دوزخ خواهد شد. همانا او (در دنیا) در میان خانواده‌اش شادمان بود. او گمان می‌کرد که هرگز باز نمی‌گردد. چرا (باز خواهد گشت) و پروردگارش به او بیناست.

نکته‌ها:

- کلمه «کدح» هم به معنای تلاش و کوشش آمده و هم به معنای آسیب وارد کردن، یعنی انسان به سوی پروردگارش پیش می‌رود ولی رفتنی همراه با رنج و تعب که گویا به خود آسیب و خدشه وارد می‌کند.
- در حدیث می‌خوانیم: هر کس سه خصلت را دارا باشد، خداوند حساب او را آسان قرار

می‌دهد و با رحمت خود، او را به بهشت وارد می‌سازد: به آن کس که محروم‌ش کرده، عطا کند؛ با آنکه قطع رابطه کرده، صله رحم می‌کند و از آن که به او ظلم کرده، درمی‌گذرد. «تعطی من حرمک تصل من قطعک و تعفو عنم ظلمک»^(۱)

□ در آیه نهم و سیزدهم، سخن از شادی و سرور در نزد خانواده است، یکی منفی که مورد انتقاد است و یکی مثبت که پاداش نیکوکاران است. آری، ثمره سرور مستانه و غافلانه در دنیا، دوزخ است و ثمره ایمان و تقوی در دنیا، سرور در میان بستگان در قیامت است. □ از حضرت علی علیه السلام درباره آیه‌ی «ینقلب الی اهلہ مسرورا» سؤال شد. فرمودند: کسانی که در دنیا اهل و عیال انسان بهشتی بودند، اگر مؤمن باشند در آخرت نیز اهل او خواهند بود.

پیام‌ها:

- ۱- انسان در حرکت به سوی خداست. «یا ایها الانسان انک کادح الی ربک» (چنانکه در جای دیگر می‌فرماید: «انا لله و انا الیه راجعون»^(۲))
- ۲- انسان در مسیر حرکت به سوی خدا، با مشکلات بی‌شماری روبروست. «انک کادح الی ربک»
- ۳- خداوند در تاریخ و جامعه قوانینی ثابت قرار داده است که همه از آن تبعیت می‌کنند؛ نه می‌توانند توقف کنند، نه به عقب بازگردند و یا به سویی دیگر روند. «کادح الی ربک کدحا»
- ۴- پایان حرکت انسان، رسیدن به خداوند است. «فلاقیه»
- ۵- اعمال انسان در دنیا ثبت شده و در قیامت، به صورتی مکتوب و مستند به او ارائه می‌شود. «اوتی کتابه»
- ۶- در قیامت، حساب مردم گوناگون است و خوبان حسابی آسان دارند. «حساباً یسیراً» (و تبه‌کاران حسابی سخت. «حساباً شدیداً»^(۳))
- ۷- به شادی‌های دنیوی مغرور نشوید که می‌گذرد، به شادی‌های پایدار قیامت،

۱. تفسیر نورالثقلین.

۲. بقره، ۱۵۶.

۳. طلاق، ۸.

فکر کنید. (اگر امروز به خاطر فرمان الهی از بعضی لذت‌های خانوادگی صرف نظر کردیم و برای جهاد یا تحصیل علم یا خدمت از خانواده دور شدیم، در آینده جبران خواهد شد.) ﴿يَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مُسْرُورًا﴾^(۱) آن که ۸- در روزی که برخی از یکدیگر فرار می‌کنند: ﴿يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ...﴾^(۱) آن که حسابش آسان و جایگاهش بهشت باشد، به سوی خانواده‌اش بازمی‌گردد. ﴿يَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مُسْرُورًا﴾ (شاید فراریان از یکدیگر، مراد کافران باشند)

﴿۱۶﴾ فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ ﴿۱۷﴾ وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ ﴿۱۸﴾ وَالْقَمَرِ
إِذَا اتَّسَقَ ﴿۱۹﴾ لَتَرْكَبَنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ ﴿۲۰﴾ فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ
﴿۲۱﴾ وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ

به شفق، (سرخی بعد از غروب) سوگند می‌خورم، و به شب و آنچه (زیر پرده سیاهی خود) جمع می‌کند سوگند، و به ماه آنگاه که کامل گردد سوگند. که شما همواره از حالی به حال دیگر درآیید. پس آنان را چه شده که ایمان نمی‌آورند؟ و آنگاه که قرآن بر آنان خوانده شود، سجده نمی‌کنند؟

نکته‌ها:

- «یَجُور» از «حور» به معنای رجوع و بازگشت است و مراد از آن بازگشت به حیات اخروی در قیامت می‌باشد.
- «طَبَق» به معنای تطبیق و انطباق است، یعنی قرار گرفتن دو چیز روی هم و به حالت نیز گفته می‌شود، چون روح انسان با آن حالت منطبق شده است. پس ﴿لَتَرْكَبَنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ﴾ یعنی شما بر حالتی و خصلتی سوار می‌شوید که مثل مرکبی شما را به سوی مقصد می‌برد.^(۲)
- همان گونه که در آستانه غروب، سرخی نمودار می‌شود، سپس سیاهی شب آن را می‌پوشاند و آنگاه نور مهتاب بر تاریکی شب پرتو می‌افکند و این حالات یکی پس از

۲. تفسیر راهنما.

۱. عبس، ۳۴ - ۳۶.

دیگری می‌آید، شما انسان‌ها نیز یکی پس از دیگری آمده و دارای حالاتی گوناگون در مسیر تکامل به سوی خدا هستید.

□ مراد از «لترکبنّ طبقاً عن طبق» مراحل مختلف زندگی است که انسان در مسیر حرکتش به سوی پروردگار آنها را طی می‌کند. حیات دنیوی، حیات برزخی و حیات اخروی.^(۱) ممکن است مراد از «لترکبنّ طبقاً عن طبق» این باشد که سرنوشت شما، طبق سرنوشت اقوام گذشته است. اگر مثل آنان انکار کنید، هلاک می‌شوید و اگر مثل آنان ایمان آورید، نجات می‌یابید. حدیثی نیز این معنا را تأیید می‌کند.

□ مراد از سجده در آیه «إذا قرء القرآن لا یسجدون»، خضوع و تصدیق و ایمان است و گرنه باید هر آیه‌ای که تلاوت شود مردم به سجده افتند.

پیام‌ها:

- ۱- منشأ بدبختی انسان، غفلت از معاد یا انکار آن است. «ظنّ ان لن یحور»
- ۲- منکران معاد بر اساس گمان انکار می‌کنند نه علم. «ظنّ ان لن یحور»
- ۳- ریشه خوشی‌های مستانه، غفلت از آخرت است. «کان فی اهله مسرورا... ظنّ ان لن یحور»
- ۴- عقل و احتیاط حکم می‌کند که اگر یقین به قیامت ندارید، لااقل به وقوع آن گمان داشته باشید، «یظنون انهم ملاقوا ربهم»^(۲) نه آنکه به عدم وقوع قیامت گمان برید که منشأ هلاکت است. «ظنّ ان لن یحور»
- ۵- نتیجه قرائت قرآن باید عبودیت و تسلیم باشد. «ذاقریء... القرآن لا یسجدون»

﴿ ۲۲ ﴾ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُكَذِّبُونَ ﴿ ۲۳ ﴾ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ

﴿ ۲۴ ﴾ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿ ۲۵ ﴾ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ

۱. تفسیر المیزان.

۲. بقره، ۴۶.

بلکه کافران (آیات الهی را) تکذیب می‌کنند. و خدا به آنچه در دل دارند آگاه‌تر است. پس ایشان را به عذابی دردناک بشارت ده. مگر کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند که برای آنان پاداشی است ابدی و قطع نشدنی (و بی منت).

نکته‌ها:

□ «یوعون» از «وَعَاء» به معنای ظرف است و مراد از آن در اینجا، ظرف دل است و آنچه انسان در دل دارد. «بَشْر» از بشارت، به خبری گویند که به واسطه آن، در چهره و بَشْره انسان تغییری صورت گیرد و معمولاً به خبرهای خوش گفته می‌شود. گاهی برای تحقیر نیز می‌آید، چنانکه می‌گویند: «خبر خوش فالانی، مرگ است»

پیام‌ها:

- ۱- کافران، نه تنها در برابر آیات قرآن تسلیم نمی‌شوند، بلکه آن را تکذیب می‌کنند. ﴿لَا یَسْجُدُونَ بِل... یُکَذِّبُونَ﴾
- ۲- کسی که خط کفر را پذیرفت، به هر مسئله‌ای که رسید تکذیب می‌کند. ﴿بِل الذِّینِ کَفَرُوا یُکَذِّبُونَ﴾
- ۳- خداوند، به اسرار درونی انسان احاطه دارد. ﴿وَاللَّهِ اَعْلَمُ بِمَا یُوعُونَ﴾
- ۴- گاهی انسان در قالب انکار و تکذیب، اهداف دیگری را دنبال می‌کند که خداوند به آن آگاه است. ﴿یُکَذِّبُونَ وَاللَّهِ اَعْلَمُ بِمَا یُوعُونَ﴾
- ۵- گاهی انسان به خاطر حفظ منافعش، در ظاهر تکذیب می‌کند ولی در دل آن را می‌پسندد. ﴿یُکَذِّبُونَ وَاللَّهِ اَعْلَمُ بِمَا یُوعُونَ﴾
- ۶- گرچه مبنای کیفر و پاداش عمل است، اما ارزش عمل به هدف و انگیزه آن است که خداوند به آنها آگاه است. ﴿وَاللَّهِ اَعْلَمُ بِمَا یُوعُونَ﴾
- ۷- لازمه ایمان، انجام هر عمل است که صالح و شایسته باشد، در هر زمینه‌ای که باشد. ﴿اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ (عبادت، یکی از مصادیق عمل صالح است).
- ۸- ایمان از عمل جدا نیست و لازم ملزوم یکدیگرند. ﴿اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾
- ۹- پاداش‌های الهی، گسسته نمی‌شود و همراه با منت نیست. ﴿لَهُمْ اَجْرٌ غَیْرُ مَمْنُونٍ﴾

سیمای سوره بروج

این سوره بیست و دو آیه دارد و در مکه نازل شده است. نام سوره برگرفته از آیه اول است و مراد از آن، ستارگان درخشان است که همچون برج بلند در آسمان می درخشند. این سوره با بیان جنایات گروهی شکنجه گر آغاز می شود که گودالی عمیق حفر می کردند و آتشی عظیم در آن می افروختند و مؤمنان را به سوزاندن در آتش تهدید می کردند و هر که دست از ایمان برنمی داشت، در آتش می افکندند. خداوند نیز آنان را به آتش سخت دوزخ وعده می دهد که با آتش دنیا قابل مقایسه نیست و بدین وسیله مؤمنان را دلداری می دهد و آنان را به مقاومت در برابر ستمگران دعوت می نماید. ادامه سوره، اشاره ای گذرا به ماجرای فرعون و قوم ثمود دارد که چگونه با همه قدرتی که داشتند، در برابر اراده الهی شکست خوردند و به هلاکت رسیدند. آیات پایانی سوره، بیانگر عظمت قرآن و جایگاه والای وحی الهی است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿ ۱ ﴾ وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ ﴿ ۲ ﴾ وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ ﴿ ۳ ﴾ وَشَاهِدِ
 وَ مَشْهُودِ ﴿ ۴ ﴾ قَتَلَ أَصْحَابَ الْأَخْذُودِ ﴿ ۵ ﴾ النَّارِ ذَاتِ الْوَقُودِ
 ﴿ ۶ ﴾ إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ ﴿ ۷ ﴾ وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ
 شُهُودٌ ﴿ ۸ ﴾ وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ
 ﴿ ۹ ﴾ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

سوگند به آسمان که دارای برج‌های بسیار است. به روز موعود سوگند.
 به شاهد و مشهود سوگند. مرگ بر صاحبان گودال (پر آتش). همان آتش
 پر هیزم. آنگاه که آنان بالای آن نشستند بودند. و تماشاگر شکنجه‌ای
 بودند که نسبت به مؤمنان روا می‌داشتند. آنان هیچ ایرادی به مؤمنان
 نداشتند، جز آنکه به خدای عزیز و حمید ایمان آورده بودند. آن که
 حکومت آسمان‌ها و زمین برای اوست و خداوند بر هر چیز گواه است.

نکته‌ها:

□ «بُروج» جمع «بُرَج» به معنای امر ظاهر و آشکار است، چنانکه «تَبْرَج» به معنای آشکار
 ساختن زینت است. اگر به عمارت‌های بلند و مرتفع، برج گفته می‌شود، از آن جهت است که
 در میان دیگر ساختمان‌ها، آشکارتر است. مراد از «بروج» در این آیات، ستارگان آسمان
 است که همچون برجی بلند، از دور آشکار و درخشان هستند. چنانکه در آیه‌ای دیگر

می‌فرماید: ﴿و لقد جعلنا فی السماء بروجاً و زیناها للناظرین﴾^(۱)

□ برای آیه «شاهد و مشهود» حدود سی مصداق گفته شده است، از جمله اینکه شاهد، خداوند و مشهود، ما سوی الله است، یعنی سوگند به خالق و به کل هستی.

امام حسن علیه السلام می‌فرماید: ^(۲) مراد از شاهد، پیامبر است به دلیل آیه ﴿اتنا ارسلناک شاهداً...﴾^(۳) و مراد از مشهود، قیامت است، به دلیل آیه ﴿ذکک یوم مجموع له الناس ذکک یوم مشهود﴾^(۴)

□ «وقود» به معنای آتش گیرانه و مایه سوخت است.

□ «أخدود» به معنای گودال عمیق است و مراد از «اصحاب الاخدود» کسانی هستند که در زمین گودالی وسیع ایجاد کردند و آتشی بزرگ در آن افروختند و سپس مؤمنان را در آتش انداخته و آنان را زنده زنده سوزاندند. چنانکه در مورد حضرت ابراهیم نیز چنین عمل کردند. اما اینکه این ستمگران و آن مؤمنان چه کسانی بودند، روایات گوناگونی وارد شده، ولی در قرآن ذکری از آنها به میان نیامده است.

پیام‌ها:

- ۱- همه هستی در نزد خداوند ارزش دارد و قابل سوگند است، از جمله: آسمان و ستارگانش. ﴿و السماء ذات البروج﴾
- ۲- از قیامت غافل نباشید که میعادگاه همه است. ﴿الیوم الموعد﴾
- ۳- شما و کارهایتان، همه زیر نظر است، آن هم زیر نظر خدا. ﴿و شاهد و مشهود﴾
- ۴- اعلام براءت و اظهار تنفر از ستمگر لازم است. ﴿قتل اصحاب الاخدود﴾
- ۵- در نقل تاریخ، عبرت‌ها مهم است نه جزئیات. (از مکان اخدود، زمان حادثه، نام و تعداد ستمگران و تعداد شهدا و... سخنی به میان نیامده است، چون اثری در گرفتن عبرت ندارد.) ﴿قتل اصحاب الاخدود﴾

۳. احزاب، ۴۵.

۲. تفسیر نور الثقلین.

۱. حجر، ۱۶.

۴. هود، ۱۰۳.

۶- تفکر ظلم ستیزی و ظالم‌کوبی ارزش است، گرچه ظالم وجود نداشته باشد. (اصحاب اخدود امروز حضور ندارند، چنانکه ابولهب امروز نیست، روحیه تنفر از آنان باید همچنان زنده باشد. «تبت یدا ابی لهب و تب») «قتل اصحاب الاخدود»

۷- سوزاندن، سخت‌ترین نوع عذاب است و در میان انواع کشتن‌ها، خداوند نام در آتش انداختن مؤمنان را نام برده است. «النار ذات الوقود»

۸- نقل ظلم‌ها و مظلومیّت‌ها و ذکر مصیبت و روضه خوانی، سابقه قرآنی دارد. «اصحاب الاخدود النار ذات الوقود اذ هم علیها قعود...»

۹- ارتکاب گناه یک مسئله است، ولی سنگدلی و نظاره‌گری و رضایت بر آن، مسئله دیگر. «و هم علی ما یفعلون بالمؤمنین شهود»

۱۰- ستمگرانی که شاهد بر شکنجه مؤمنانند، بدانند که خدا شاهد بر آنان و کار آنهاست. «شاهد و مشهود - هم علی ما یفعلون بالمؤمنین شهود»

۱۱- پایداری بر ایمان، تاوان دارد. «و ما نقموا منهم الا ان یؤمنوا» (جمله «یؤمنوا» به جای «آمنوا» رمز آن است که کفار از پایداری مؤمنان ناراحت بودند و اگر دست بر می‌داشتند شکنجه‌ای در کار نبود.)

۱۲- منطوق کافر، تهدید و انتقام است. «و ما نقموا منهم»

۱۳- در نزد کفار، ایمان بزرگ‌ترین جرم است و جز با دست برداشتن از ایمان به چیز دیگری راضی نمی‌شوند. «و ما نقموا منهم الا ان یؤمنوا...»

۱۴- کافران بدانند که حامی مؤمنین خدای عزیز است که قدرت انتقام دارد. «یؤمنوا باللّه العزیز»

۱۵- جاذبه اتصال به خدای قادر، اشکالات وارده بر شهادت و از جان گذشتگی در راه خدا را حل می‌کند. «یؤمنوا باللّه العزیز الحمید»

۱۶- حکومت واقعی از آن خداوند است. «له ملک السموات و الارض»

۱۷- حکومت الهی همراه با علم و حضور اوست. «والله علی کلّ شیء شهید»

﴿۱۰﴾ إِنَّ الَّذِينَ فَتِنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ
عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ ﴿۱۱﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ
الْكَبِيرُ

همانا کسانی که مردان و زنان با ایمان را مورد آزار و شکنجه قرار دادند و توبه نکردند، پس برای آنان عذاب دوزخ و همچنین عذاب سوزان است. همانا برای کسانی که اهل ایمان و عمل صالح هستند، باغ‌هایی بهشتی است که نهرها از زیر آن جاری است، این است رستگاری بزرگ.

نکته‌ها:

□ «فتنة» در اصل به معنای قرار دادن طلا در آتش، برای به دست آوردن میزان خلوص آن است و در اصطلاح، به معنای عذاب و شکنجه و یا آزمایش‌های سخت نیز به کار می‌رود. اما در آیه مورد بحث به معنای عذاب و آزار است.^(۱) چنانکه در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: ﴿يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ ذُوقُوا فَتَنَتَكُمْ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ﴾^(۲)

□ در حوادث تلخ و سخت تاریخ، همواره زنان و مردان مؤمن در کنار یکدیگر بوده‌اند و نقش زنان در حرکت‌های اصلاحی و انقلابی فراموش نشدنی است. لذا ستمگران جنایتکار نیز، آنان را همچون مردان مورد آزار و شکنجه قرار می‌دادند. ﴿فَتِنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ﴾

پیام‌ها:

۱- اصحاب اخدود و همه شکنجه‌گران تاریخ، مورد قهر الهی هستند. ﴿الَّذِينَ فَتِنُوا الْمُؤْمِنِينَ...﴾

۲- زنان با ایمان در کنار مردان، آزار و شکنجه‌ها را به جان می‌خریدند. ﴿فَتِنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ﴾

۱. تفسیر نمونه.

۲. ذاریات، ۱۳ و ۱۴.

- ۳- در دفاع از مظلوم، تفاوتی میان زن و مرد نیست. ﴿فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ ...﴾
- ۴- راه توبه همواره باز است و برای هیچ کس بن بست وجود ندارد و لذا یأس از رحمت خدا ممنوع است. (آری، خداوند حتی شکنجه گرانی که مؤمنان را می سوزانند، دعوت به توبه کرده است.) ﴿فَتَنُوا... ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا﴾
- ۵- خداوند توبه پذیر است، گرچه مدتی طول کشیده باشد. ﴿ثُمَّ﴾
- ۶- کیفر سوزاندن، سوزاندن است. ﴿الَّذِينَ ذَاتِ الْوَقُودِ - عَذَابِ الْحَرِيقِ﴾
- ۷- بشارت و انذار باید همراه یکدیگر باشد. ﴿عَذَابِ الْحَرِيقِ... جَنَاتِ تَجْرِي...﴾
- ۸- بهترین لذت ها، لذت بردن از طبیعت است. ﴿جَنَّاتٍ... أَنهَارٍ﴾
- ۹- برای کفّار شکنجه گر دو عذاب است: عذاب کفر و عذاب شکنجه. ﴿فَلَهُمْ عَذَابٌ جَهَنَّمَ وَ لَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ﴾
- ۱۰- دنیا زودگذر است. هم کامیابی های ستمگران گذراست و هم سختی های مؤمنان. به فکر آخرت باشید که عذاب دوزخیان بی پایان و پاداش بهشتیان، جاودان است. ﴿فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ... لَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ - الَّذِينَ آمَنُوا... لَهُمْ جَنَّاتٌ﴾

﴿۱۲﴾ إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ ﴿۱۳﴾ إِنَّهُ هُوَ يُبْدِي وَيُعِيدُ ﴿۱۴﴾ وَ

هُوَ الْعَفْوَورُ الْوَدُودُ ﴿۱۵﴾ ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ ﴿۱۶﴾ فَعَالٌ لِّمَا

یُریدُ

همانا قهر و مجازات پروردگارت شدید است. بی تردید اوست که (آفرینش را) آغاز می کند و باز می گرداند. و هموست بخشنده و دوستدار (مؤمنین). صاحب عرش و دارای مجد و عظمت. آنچه را اراده کند حتماً انجام می دهد.

نکته ها:

- «بَطْش» به معنای گرفتن همراه با قهر و غلبه است.
- «عَرْش» به معنای تخت فرمانروایی و کنایه از تدبیر الهی است. عرش را به معنای

جایگاهی که همه هستی را در برگرفته است نیز گفته‌اند. بنابراین «ذوالعرش» یعنی صاحب همه هستی و مرکز اداره هستی.

پیام‌ها:

- ۱- قهر و غلبه الهی به گونه‌ای است که هیچ کس و هیچ چیز نمی‌تواند مانع آن شود. ﴿انّ بطش ربّك لشدید﴾
- ۲- قهر و کیفر از شئون ربوبیت و در جهت پیشبرد اهداف رسالت و دلداری پیامبر است. ﴿بطش ربّك﴾
- ۳- آفریدن و بازگرداندن، کار همیشگی خداوند است. ﴿انّه هو یبدئ و یعید﴾
- ۴- قدرت خداوند بر آفریدن و بازگرداندن یکسان است. ﴿یبدئ و یعید﴾
- ۵- خداوند هم قهر و غلبه دارد و هم بخشش و محبت. ﴿بطش ربّك لشدید... و هو الغفور الودود﴾
- ۶- علاوه بر آفریدن، تدبیر و فرمان‌روایی همه چیز برای اوست. ﴿ذوالعرش﴾
- ۷- در قهر و مهر، هیچ چیز مانع اراده الهی نیست. ﴿بطش ربّك لشدید - هو الغفور الودود - فعّال لما یرید﴾
- ۸- کارهای الهی محدودیت ندارد. ﴿لما یرید﴾ (ناگفته پیداست که اراده الهی همراه با حکمت است و کاری که حکیمانه نباشد، اراده نمی‌کند تا انجام دهد).

﴿۱۷﴾ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ ﴿۱۸﴾ فِرْعَوْنَ وَ ثَمُودَ ﴿۱۹﴾ بَلِ
الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ ﴿۲۰﴾ وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ ﴿۲۱﴾ بَلِ
هُوَ قُرْءَانٌ مَّجِيدٌ ﴿۲۲﴾ فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ

آیا سرگذشت آن سپاه به تو رسیده است؟ (سپاه) فرعون و ثمود. آری، کافران (پیوسته) در تکذیب (حق) هستند. و خداوند از هر سو بر ایشان احاطه دارد. آری آن قرآن مجید است. که در لوحی محفوظ ثبت است.

نکته‌ها:

□ قوم فرعون و ثمود، در قدرت و تمدن و امکانات، بالاترین اقوام بودند و در آیات دیگر قرآن به قدرت آنها اشاره شده است. لذا در اینجا از این دو قوم نام برده شده است.

□ اعلام توانایی خداوند در قلع و قمع ابرقدرت‌ها، نوعی آرام بخشی به مؤمنان است.

□ کلمه «قرآن» هرگاه با الف و لام بیاید، مراد از آن، کتاب قرآن است ولی بدون الف و لام، به معنای «مقروء» یعنی خوانده شده است. چنانکه در این آیات می‌فرماید: ﴿بل هو قرآن مجید﴾ یعنی الفاظ وحی بر پیامبر قرائت شده است.

پیام‌ها:

- ۱- ابتدا شنونده را تشنه کنیم، سپس سخن خود را بگوییم. ﴿هل اتاك حديث الجنود﴾
- ۲- باید از تاریخ گذشتگان آگاه بود و از برخورد خداوند با آنان عبرت گرفت. ﴿هل اتاك حديث الجنود فرعون و ثمود﴾
- ۳- مجهزترین سپاه و لشکرها در برابر قهر او ناچیزند. ﴿الجنود فرعون و ثمود﴾
- ۴- کافران، در تکذیب قرآن و وعده‌های آن اصرار و پافشاری دارند. ﴿بل الذین کفروا فی تکذیب﴾
- ۵- ستمگران از مدار قدرت الهی خارج نیستند و هیچ راه گریزی ندارند، ولی خودشان نمی‌فهمند. ﴿و الله من ورائهم محیط﴾ (کلمه «ورائهم» نشانه غفلت آنان از علم و قدرت خداست.)
- ۶- هم خداوند، صاحب مجد و عظمت است و هم قرآن او. ﴿ذو العرش المجید... بل هو قرآن مجید﴾
- ۷- لوحی که قرآن بر آن ثبت شده، برای ما ناشناخته است، گرچه در نزد خداوند محفوظ است. ﴿فی لوح محفوظ﴾
- ۸- قرآن، از هر گونه تهدید و تحریف بیمه است. ﴿قرآن مجید فی لوح محفوظ﴾

«والحمد لله رب العالمین»

سیمای سوره طارق

این سوره، هفده آیه دارد و در مکه نازل شده است. نام سوره برگرفته از آیه اول است و به معنای کوبنده می باشد. محور مطالب این سوره دو چیز است: یکی هشدار نسبت به معاد و دیگری نعمت قرآن و جایگاه والای آن.

توجه دادن انسان به منشأ وجودی اش که آبی پست و ناچیز بوده است، زمینه پذیرش قدرت لایزال الهی بر آفرینش دوباره انسان و حضور او در دادگاه رسواگر قیامت را فراهم می آورد و اینها همه برگرفته از وحی صادق آسمان است که مخالفان آن را شوخی می پندارند، در حالی که قطعی و حتمی است و هرچه کافران علیه آن توطئه کنند، به خودشان باز می گردد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿ ۱ ﴾ وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ ﴿ ۲ ﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ ﴿ ۳ ﴾ النَّجْمُ
التَّاقِبُ ﴿ ۴ ﴾ إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ ﴿ ۵ ﴾ فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ
مِمَّ خُلِقَ ﴿ ۶ ﴾ خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ ﴿ ۷ ﴾ يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَ
التَّرَائِبِ ﴿ ۸ ﴾ إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ ﴿ ۹ ﴾ يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ
﴿ ۱۰ ﴾ فَمَالَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ

سوگند به آسمان و ستاره طارق. و تو چه دانی که طارق چیست؟ ستاره‌ای است درخشانده. (به اینها سوگند که) هیچ کس نیست مگر آنکه بر او نگهبانی است. پس انسان بنگرد که از چه آفریده شده است. از آبی جهنده آفریده شده است. که از بین کمر و سینه بیرون می‌آید. همانا او بر باز گرداندنش تواناست. روزی که اسرار آشکار شود. پس برای انسان، هیچ قدرتی (از درون) و یاوری (از بیرون) نیست.

نکته‌ها:

- «طارق» به معنای کسی است که در شب وارد شود و در را بکوبد. «طرق» کوبیدن و «مِطْرَقَة» وسیله کوبیدن است و «طریق» به راه گفته می‌شود، زیرا زیر پا کوبیده می‌شود.
- «تاقب» به معنای سوراخ کردن است، گویا این ستاره با نور خود تاریکی شب را سوراخ می‌کند. «صُلب» به معنای محکم و مراد از آن، ستون فقرات پشت است و «ترائب» به استخوان‌های سینه گفته می‌شود.
- «تُبلی» از «بلوی» به معنای آزمایش است که عامل آشکار شدن حقیقت‌هاست.

□ طبق روایتی از امام صادق علیه السلام مراد از طارق، ستاره زُحل است که ستاره امیرالمؤمنین و اوصیای اوست.^(۱)

□ اشعث بن قیس که از منافقان بود، شبانه حلوایی برای حضرت علی علیه السلام آورد و در خانه را زد تا با هدیه حلوای شب، در روز مرتکب خلافی شود. حضرت، نام او را که شبانه در خانه اش را کوبید، طارق نامید.^(۲)

□ مشابه آیه ۴ این سوره را در سوره انفطار می خوانیم: ﴿وَأَنْ عَلَيْكُمْ لِحَافِظِينَ كَرَامًا كَاتِبِينَ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ﴾ بر شما نگهبانانی گماشته شده که بزرگوارانه، بدون کینه و سوء ظن، کارهای شما را می نویسند و آنچه انجام می دهید می دانند.

پیام‌ها:

- ۱- انسان و تمام کارهای او تحت حفاظت فرشتگان الهی است. (هم ثبت اعمال و هم حفظ از حوادث) ﴿أَنْ كُلَّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ﴾
- ۲- چگونگی تولد فرزند، از انعقاد نطفه تا خروج از شکم مادر، باید مورد مطالعه و دقت قرار گیرد که هم زمینه خداشناسی است و هم معادشناسی. ﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانَ مِمَّ خُلِقَ...﴾
- ۳- انسان به خاطر دارا بودن عقل و علم و استعداد باید در آفرینش خود دقت کند. ﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانَ﴾
- ۴- توجه به آفرینش انسان، زمینه ایمان به معاد است. ﴿عَلَى رَجْعِهِ لِقَادِرٌ﴾
- ۵- معاد جسمانی است و جسم انسان در قیامت دوباره زنده می شود. ﴿رَجْعِهِ﴾

﴿۱۱﴾ وَ السَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ ﴿۱۲﴾ وَ الْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ

﴿۱۳﴾ إِنَّهُ لَقَوْلٌ فَصْلٌ ﴿۱۴﴾ وَ مَا هُوَ بِالْهَزْلِ ﴿۱۵﴾ إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ

كَيْدًا ﴿۱۶﴾ وَ أَكِيدُ كَيْدًا ﴿۱۷﴾ فَمَهْلِ الْكَافِرِينَ أَمْهَلُهُمْ رُوَيْدًا

۱. تفسیر برهان.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴.

سوگند به آسمان باران‌زا، سوگند به زمین که (برای خروج گیاهان) برشکافته است. که همانا این قرآن سخنی است قاطع. و هزل و شوخی نیست. همانا کافران پیوسته نیرنگ می‌کنند. و من نیز تدبیر می‌کنم. پس کافران را مهلت ده و اندک زمانی آنان را به خود واگذار.

نکته‌ها:

- «رجع» به معنای باران است، شاید به خاطر رجوع بخار آب به زمین به صورت باران.
- «صدع» به معنای شکافته شدن زمین برای رویش گیاهان است. «هزل» به معنای سخن بی‌محتوا است. «کید» یعنی طرح و نقشه مخفیانه و غافلگیرانه.
- «مهّل» و «امهّل» به یک معنا هستند و برای تأکید در دو قالب آمده‌اند و هر دو به معنای مهلت دادن است. «رویدا» به معنای مهلت اندک است.
- آسمان و زمین برای تولید گیاه، نظیر پدر و مادر برای تولد انسان هستند.
- نزول باران و آمادگی زمین، بستری برای رشد گیاهان است. نزول قرآن و آمادگی انسان نیز زمینه برای رشد انسان‌هاست. نام قرآن در کنار نام باران آمده است.
- برای زدودن شک، هم باید منطقی سخن گفت و هم قاطع. سوگندهای پی در پی خداوند، برای رفع هرگونه شک و تردید از مخالفان و تقویت اعتقاد و باور مؤمنان است.
- «لقول فصل» به جای «لقول فاصل» یعنی قرآن، سراسر فصل است و میان حق و باطل فاصله می‌اندازد. نظیر اینکه می‌گوییم: فلانی شکر است، یعنی یک پارچه شیرینی است.
- پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: به زودی فتنه‌ها در میان شما ظاهر خواهد شد. پرسیدند راه نجات چیست؟ فرمود: «کتاب الله فيه نبأ من قبلكم و خبر ما بعدکم و حکم ما بینکم هو الفصل» قرآن که اخبار پیشینیان و آیندگان و داوری شما در آن است. آن کلامی است که حق را از باطل جدا می‌کند. در ادامه فرمودند: «و من ابتغی الهدی فی غیره اضلّه الله» هر کس هدایت را در غیر قرآن جستجو کند، خداوند او را گمراه می‌کند.^(۱)

۱. تفسیر نمونه.

پیام‌ها:

- ۱- قیامت، روز بروز و ظهور افکار و کردار آدمیان است. ﴿یوم تبلی السرائر﴾
 - ۲- انگیزه‌ها و روحیات انسان، در قیامت او اثر دارند. ﴿یوم تبلی السرائر﴾
 - ۳- قیامت، روز افشای اسرار و شرمندگی است: ﴿تبلی السرائر﴾ و انسان نیز برای کتمان یا جبران گذشته خود نمی‌تواند کاری بکند. ﴿فما له من قوّة و لا ناصر﴾
 - ۴- رجعت انسان در قیامت، همچون رجعت آب بخار شده دریا، از آسمان به زمین است. ﴿علی رجعه لقادر - و السماء ذات الرجع﴾
 - ۵- ارزش هر موجودی وابسته به آثار و برکات آن است. ﴿ذات الرجع - ذات الصدع﴾
 - ۶- قرآن، فرقان و جداکننده حق از باطل است، نه رمان و غیر واقعی. ﴿انه لقول فصل و ما هو بالهزل﴾
 - ۷- نیرنگ کفار، دائمی، سخت و حتمی است، از آن غافل نشوید. ﴿انهم یکیدون کیدا﴾
 - ۸- برخورد خداوند با انسان، متناسب با عمل اوست. اگر در راه خیر قدم بردارد، خدا هدایتش می‌کند: ﴿جاهدوا فینا لنهیدیکم﴾^(۱) و اگر به دنبال کید باشد، گرفتار کید الهی می‌شود. ﴿یکیدون کیدا و اکید کیداً﴾
 - ۹- قرآن، میزان تشخیص حق از باطل است. ﴿انه لقول فصل﴾
 - ۱۰- کافران با خدا طرفند و تدبیر خداوند سخت است. ﴿یکیدون کیداً و اکید کیداً﴾
 - ۱۱- آنان مسلمانان را غافلگیر می‌کنند ما نیز آنان را غافلگیر می‌کنیم. ﴿یکیدون... اکید﴾
 - ۱۲- در برخورد با دشمن، نه خود عجله کنید و نه از خدا عجله بخواهید. ﴿فهلّ الکافرین﴾
 - ۱۳- غفلت از دشمن هرگز، ولی مهلت دادن مانعی ندارد. ﴿امهلهم﴾
 - ۱۴- سعه صدر، شرط لازم برای رهبری است. ﴿امهلهم﴾
 - ۱۵- مقدار مهلت به دشمن، به قدری نباشد که فرصت را از شما بگیرد. ﴿رویدا﴾
- «والحمد لله رب العالمین»

